

اجازه خواستن قبل از دخول در خانه‌ها



«عَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «الاسْتِئْذَانُ ثَلَاثٌ، فَإِنْ أُذِنَ لَكَ، وَإِلَّا فَارْجِعْ»

(متفق عليه)

ترجمه: از ابو موسی اشعری رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: استئذان (اجازه خواستن) سه بار است، پس اگر به تو اجازه داده شد، خوب، ورنه باز گرد.

مفهوم حدیث:

استئذان یا اجازه خواستن هنگام دخول به منازل مسکونی، از جمله عالی‌ترین درجه آداب اجتماعی در زندگی بوده و نشانه تربیه سالم و پاکی نفس شخص و حفظ عزت انسان در محضر مردم می‌باشد. انسان توسط اجازه خواستن از شنیدن سخنانی که در خفاء علیه وی گفته می‌شود و نیز از ایجاد هرج بر مردم نجات می‌یابد. کسانی هستند که با وجود پیدایش مدنیت جدید و اعمار منازل، با دروازه‌های قفل‌دار و بسته، نه تنها بدون اجازه و سلام دادن داخل خانه‌ها می‌شوند، بلکه به‌طور ناگهانی و بدون اجازه در مجالس یا اطاق دیگران داخل می‌شوند. این در حالی است که اسلام عزیز همیشه در انجام و مراعات نمودن آداب (اجازه خواستن) انسان‌ها را تشویق می‌کند، و مفهوم کلمه استئذان، یعنی اجازه خواستن قبل از دخول در منزلی که شخص داخل شونده مالک آن نباشد، است.

حکم اجازه خواستن:

داخل شدن در منازل مردم بدون اجازه‌شان حرام است، الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾

ترجمه: ای مؤمنان! وارد خانه‌هایی نشوید که متعلق به شما نیست، مگر بعد از اجازه گرفتن (با زنگ زدن یا در کوبیدن و کارهایی جز این‌ها) و سلام کردن بر ساکنان آن؛ این کار برای شما بهتر است (از ورود بدون اجازه و سلام). امید است شما این دو چیز را به هنگام رفتن به منازل دیگران رعایت و آن‌ها را مد نظر داشته باشید.

حکمت در اجازه خواستن:

حکمت در اجازه خواستن، حفظ وصیانت حرمت خانه‌ها و عدم هتک پوشیده‌های منازل می‌باشد. حتی اسلام از نظر کردن به خانه‌ها منع نموده است، طوری که در حدیث شریف چنین آمده است:

از سهل بن سعد رضی الله عنه روایت است که گفت: مردی از سوراخی به داخل خانه رسول الله صلی الله علیه وسلم نگاه کرد، در آن هنگام پیامبر صلی الله علیه وسلم چوب نوك تیز یا شانه آهنی در دست داشت که سرش را می‌خارید، وقتی پیامبر صلی الله علیه وسلم وی را دید فرمود:

«لَوْ أَعْلَمُ أَنَّكَ تَنْظُرُ لَطَعَنْتُ بِهِ فِي عَيْنِكَ، إِنَّمَا جُعِلَ الْإِسْتِئْذَانُ مِنْ أَجْلِ الْبَصَرِ»

(رواه البخاری)

ترجمه: اگر می‌دانستم که تو نگاه می‌کنی، آن را در چشمت فرو می‌بردم، زیرا به خاطر نگاه کردن است که اجازه خواستن لازم شده است.

کیفیت اجازه خواستن:

از ربیع بن حراش روایت شده که گفت: مردی از بنی عامر برای ما صحبت کرد که او بر پیامبر صلی الله علیه وسلم اجازه ورود خواست، در حالی که ایشان در خانه‌ای بودند و گفت: آیا وارد شوم؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم برای خادمش گفت:

«أُخْرِجْ إِلَى هَذَا فَعَلَّمَهُ الْإِسْتِئْذَانَ فَقُلْ لَهُ قُلْ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ، أَدْخُلْ؟» فَسَمِعَهُ الرَّجُلُ فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ، أَدْخُلْ؟ فَأَذِنَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَدَخَلَ»

(رواه ابو داود به اسناد صحیح)

ترجمه: نزد این شخص برو و اجازه خواستن را به وی یاد داده و بگو که بگوید: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ آیا داخل شوم؟ و مرد آن را شنیده و

گفت: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ آیا وارد شوم؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم اجازه داد و او داخل شد.

در سنن ابوداود از عبدالله بن بسر مروی است که فرمود: هرگاه رسول الله صلی الله علیه وسلم به دروازه کسی می‌آمد، در مقابل و رو به روی دروازه استاده نمی‌شد؛ بلکه در پهلو راست و یا چپش استاده و می‌فرمود: السلام عليكم، السلام عليكم!

مفهوم حدیث:

سلام دادن هنگام ملاقات با اهل خانه کار پسندیده و مناسب است؛ زیرا الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ﴾

[نور: 61]

ترجمه: هر وقت داخل خانه‌ای شدید، بر هم‌دیگر سلام کنید، سلامی پربرکت و پاکی که از جانب الله (سبحانه و تعالی) است و بدان پاداش داده می‌شود.

توضیح موضوع:

امام نووی رحمه الله در شرح صحیح مسلم می‌فرماید: علماء اجماع بر این دارند که اجازه خواستن مشروع است؛ زیرا دلائلی از قرآن و سنت و اجماع صحابه بر آن تصریح دارند. سنت آنست که سلام دهد و سه بار اجازه بگیرد تا جمع کرده باشد بین سلام و اجازه. چنانچه قرآن بر آن تصریح کرده است، و اختلاف بر این است که آیا تقدیم سلام مستحب است یا اجازه؟ صحیح آنست که در سنت وارد است، و محققین هم تصریح کرده اند که سلام باید مقدم شود و چنین بگوید: السلام علیکم، آیا اجازه است داخل شوم؟ قول دوم آنست که اجازه بخواهد، و قول سوم آنست که امام ماوردی نیز آن را اختیار کرده است: اگر اجازه گیرنده قبل از داخل شدن صاحب منزل را دید، سلام را بر اجازه مقدم کند، زیرا دو حدیث صحیح از نبی کریم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در تقدیم سلام ثابت است و برای ثبوت اجازه علایم معتمدی مناسب است.

در صحیح مسلم از عبدالله بن مسعود رَضِيَ اللهُ عَنْهُ مروی است که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «اجازه گرفتن تو این است که پرده را برداری و سخن مرا بشنوی؛ مگر این که تو را نهی کنم.» یعنی دخول برایت جواز است که کلام صاحب منزل را بشنوی و به موجودیت‌اش در خانه مطمئن شوی؛ مگر این که از داخل شدن منع کند. البته این در صورتی است که در دخول آن خانه حرمتی نباشد، و این بخاطری است که ابن مسعود در همه حالات خدمت‌گذار وی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود؛ آب وضو و مسواک‌اش را هنگام قصد وضوء آماده می‌کرد، پاپوش‌هایش را برمی‌داشت؛ وقتی می‌نشست و زمانی که برمی‌خواست، نیاز زیادی به کثرت دخول و خروج می‌بود. امام نووی رحمه الله فرموده اند که این واقعیت ابن مسعود نوعی علایم اعتماد بر اجازه دخول است و به اجازه گیرنده لازم است که اسمش را بگیرد.

جابر رضی الله عنه گوید: به خاطر قرضی که بر پدرم بود، نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم رفتم، در را زدم، پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت: چه کسی است؟ گفتم: منم.

فَقَالَ: مَنْ ذَا فَقُلْتُ: أَنَا فَقَالَ: أَنَا، أَنَا كَأَنَّهُ كَرِهَهَا

(مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ)

ترجمه: پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت: منم، منم! چنین پیدا بود که پیامبر صلی الله علیه وسلم، از جواب دادنم ناراحت بود.

مفهوم حدیث:

ابن جوزی گفته است: سبب کراهیت در لفظ "منم، منم" احساس نوعی از کبر می‌باشد، گویا گوینده این سخن اظهار می‌کند بر این که من، کسی که ضرورت به این نیست که از نام یا نسب چیزی یاد کنم.

حکمت سه بار اجازه خواستن:

ابوموسی اشعری رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

«إِذَا اسْتَأْذَنَ أَحَدُكُمْ ثَلَاثًا، فَلَمْ يُؤْذَنْ لَهُ، فَلْيَرْجِعْ»

(رواه البخاری)

ترجمه: هرگاه یکی از شما سه بار اجازه ورود خواست، و به او اجازه داده نشد، برگردد.

توضیح حدیث:

ابن عبدالبر در تمهید می‌گوید که بعضی از علماء گفته اند: مرتبه اولی اجازه برای در خواست، اجازه است و مرتبه دومی برای مشوره می‌باشد، که آیا اجازه دخول می‌شود یا خیر؟ و مرتبه سوم، علامه بازگشت می‌باشد، که بر بار سوم اضافه نشود. مناسب است که اطفال صغیر در اثنای رسیدن به بلوغ، احکام اجازه خواستن برای شان تعلیم شود که الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾

[نور: ۵۹]

ترجمه: هنگامی که کودکان شما به سن بلوغ رسیدند (در همه اوقات برای ورود به مکانی که پدر و مادر در آن جا استراحت می‌کنند، و یا منزل اختصاصی‌ای که آنان در آن جا بسر می‌برند) باید اجازه بگیرند، همان گونه که اشخاصی که پیش از آنان بوده‌اند.

از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما نقل است که فرمود:

«كَانَ إِذَا بَلَغَ بَعْضُ وَلَدِهِ الْحُلُمَ لَمْ يَدْخُلْ عَلَيْهِ إِلَّا بِإِذْنٍ»

(رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي الْأَدَبِ الْمُرَدِّ)

ترجمه: زمانی که بعضی اولادها پیش به جوانی می‌رسیدند، نزد وی داخل نمی‌شدند؛ مگر به اجازه.

طلب اجازه قبل از دخول به نزد مادران و خواهران نیز لازمی می‌باشد:

ابن مسعود رضی الله عنه می‌فرماید:

«عَلَيْكُمْ أَنْ تَسْتَأْذِنُوا عَلَى أُمَّهَاتِكُمْ»

(رَوَاهُ الطَّبْرَانِيُّ)

ترجمه: بر شما لازم است که موقع داخل شدن نزد مادران تان اجازه بگیرید.

و از عطاء مروی ست که فرمود:

«سَأَلْتُ ابْنَ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا فَقُلْتُ: أَسْتَأْذِنُ عَلَى أُخْتِي؟ فَقَالَ نَعَمْ، قُلْتُ: إِنَّهُمَا فِي حِجْرِي؟ قَالَ: أَنْحَبُ أَنْ تَرَاهُمَا عُرْيَانَتَيْنِ؟»

ترجمه: از ابن عباس رضی الله عنهما پرسیدم، از خواهرم نیز اجازه بگیرم؟ فرمود: بلی، گفتم: آن‌ها در اطاق با من هستند، فرمود: آیا تو دوست داری آن‌ها را عریان ببینی؟

از مسلم بن نذیر نقل است که فرمود:

«سَأَلَ رَجُلٌ حَدِيثَهُ: أَسْتَأْذِنُ عَلَى أُمِّي؟ قَالَ: إِنْ لَمْ تَسْتَأْذِنْ عَلَيْهَا رَأَيْتَ مَا تَكْرَهُ»

(رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي الْأَدَبِ الْمُرْفَدِ)

ترجمه: شخصی از حدیثه رضی الله عنه پرسید: آیا در رفتن نزد مادرم اجازه بگیرم؟ حدیثه فرمود: اگر اجازه نگیری، در داخل شدن نزد وی، شاید وی را در حالی ببینی که مناسب نباشد.

اجازه خواستن بر شوهر در داخل شدن به منزلی که خانمش باشد واجب نیست:

موسی بن طلحه فرموده اند:

«دَخَلْتُ مَعَ أَبِي عَلَى أُمِّي فَدَخَلَ وَاتَّبَعْتُهُ فَدَفَعَ فِي صَدْرِي، وَقَالَ: تَدْخُلُ بِغَيْرِ إِذْنٍ»

(رواه البخاری فی ادب المفرد)

ترجمه: داخل می‌شدیم همراه با پدرم نزد مادرم، من از عقب پدرم بودم، پس زد به سینه‌ام و گفت: آیا بدون اجازه داخل می‌شوی؟

مناسب است که دروازه‌ها به شدت دق الباب نشود:

از انس بن مالک رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ روایت است که فرمود:

«إِنَّ أَبْوَابَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَتْ تُقْرَعُ بِالْأَظْفَرِ»

(رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي الْأَدَبِ الْمُرْفَدِ)

ترجمه: دروازه‌های پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را در وقت اجازه خواستن با ناخن‌ها خراش خراش می‌کردند.

حافظ بن حجر در فتح الباری گفته است: این حالت مبالغه در ادب می‌باشد، ولی این کار زمانی نیکو است که ساکنین خانه نزدیک به دروازه باشد؛ اما برای کسی که دور باشد، قسمی که دق الباب آهسته را نشنود، مستحب است که دق الباب بلندتر انجام شود و حسب کفایت باشد.

والسلام علی من اتبع الهدی